



Linguistic Research in the Holy Quran
Vol. 15, No. 3, 2026
Research Paper

A Semiotic Analysis of the Phrase “‘Ajlān Jasadān Lahu Khuwār” Based on Charles Peirce’s Theory of Semiotics

Ali Salahshoor*, Forogh Moradian

Assistant Professor, Department of Theology Faculty of Humanities and Social Sciences,
University of Kurdistan, Sanndaj, Iran
Department of Theology Education, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

The language of revelation, characterized by its multiple semantic layers and systematic structure, has consistently provided a dynamic foundation for linguistic and semantic investigations. In this context, a semiotic analysis of challenging verses can open new vistas for understanding the processes of signification and meaning production in sacred texts. The verse "a calf, a body that lowed" ('ajlan jasadān lahu khuwar), given the ambiguities surrounding the nature of the "calf" and the sound of "lowing," represents a pivotal point in the divergence of exegetical opinions, necessitating a rereading through the lens of modern semiotic theories. Accordingly, the present study aims to elucidate the signification processes of this verse, seeking to answer the question of how Charles Peirce's triadic elements—Icon, Index, and Symbol—are represented in the interpretations of this verse. Adopting a descriptive-analytical method based on Peircean semiotics, this research demonstrates that the diversity of exegetical views stems less from lexical disagreements and more from the commentators' approach to the nature of the sign and its nexus with the interpretant. Findings based on the categorization of the Immediate, Dynamic, and Final Interpretant indicate that the vocabulary of the verse transcends mere acoustic representation and evolves into a symbolic sign of deception and deviation. The results suggest that Peirce's semiotic framework not only reveals the richness of the exegetical tradition in grasping the pedagogical and ethical layers of the Samiri narrative but also provides an efficient model for the modern analysis of other Quranic verses.

Keywords: Khuwar (Lowing), Charles Peirce, Exegesis, Semiotics, Samiri.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/nrgs.2026.147431.2106>

مقاله پژوهشی

تحلیل نشانه‌شناختی عبارت «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» با رویکرد نظریه نشانه‌شناسی چارلز پیرس

علی سلحشور^{۱*}، فروغ مرادیان^۲

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

a.salahshoor@uok.ac.ir

۲- استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

f.moradian@cfu.ac.ir

چکیده

زبان وحی به دلیل برخورداری از لایه‌های معنایی چندگانه و ساختار نظام‌مند، همواره بستری پویا برای واکاوی‌های زبان‌شناختی و معناشناختی بوده است. در این میان، تحلیل نشانه‌شناختی آیات چالش‌برانگیز می‌تواند دریچه‌ای نو به سوی فهم فرایندهای دلالت و تولید معنا در متون مقدس بگشاید. آیه «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» با توجه به ابهامات موجود در ماهیت «عجل» و صدای «خوار»، یکی از نقاط عطف در تضارب آرای مفسران است که نیازمند بازخوانی از دیدگاه نظریات مدرن نشانه‌شناسی است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین فرایندهای دلالتی این آیه، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه عناصر سه‌گانه نشانه‌شناسی چارلز پیرس (شمایل، نمایه و نماد) در تفاسیر مربوط به این آیه بازنمایی شده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آرای پیرس، نشان می‌دهد تنوع آرای مفسران بیش از آنکه ناشی از اختلافات لغوی باشد، ریشه در نوع مواجهه آنان با ماهیت نشانه و پیوند آن با مفسر دارد. یافته‌ها بر پایه دسته‌بندی مفسر «فوری، پویا و نهایی» گویای آن است که واژگان آیه از یک بازنمایی صوتی صرف فراتر رفته و به نشانه‌ای نمادین از فریب و انحراف تبدیل شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد چارچوب نشانه‌شناسی پیرس نه فقط غنای سنت تفسیری را در درک لایه‌های تربیتی و اخلاقی داستان سامری آشکار می‌کند، بلکه الگویی کارآمد برای تحلیل‌های نوین در سایر آیات قرآن کریم ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: خوار، چارلز پیرس، تفسیر، نشانه‌شناسی، سامری.

۱- طرح مسأله

گزارش قرآن، سامری در غیاب حضرت موسی (ع) و در شرایطی که هارون (ع) به منظور حفظ مصالح قوم بنی‌اسرائیل از مواجهه شدید پرهیز کرده بود، گوساله‌ای ساخت که صدایی شبیه صدای گاو از آن شنیده می‌شد.

آیه «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» از جمله آیات مجمل و پرابهام قرآن کریم است که در طول تاریخ تفسیر، دیدگاه‌ها و برداشت‌هایی متفاوت درباره آن مطرح شده‌اند. بر اساس

نصرالله شاملی که در شماره ۹ مجله کتاب قیم انتشار یافته، داستان موسی (ع) در سوره طه با تکیه بر عناصر نشانه‌شناختی بررسی و ضمن ارائه خوانشی روایت‌محور از داستان موسی در این سوره، نشانه‌شناسی واژگانی مانند: «النار، الصلاة، الیم، العصا و العجل» ارائه شده است (رحیمی خویگانی و شاملی، ۱۳۹۲، صص ۱۱۷-۱۳۷).

زهره محققیان در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نرینگگی گوساله سامری بر اساس نقد کهن‌الگویی» که در شماره ۶۰ مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی منتشر شده، با رویکرد نقد کهن‌الگویی، ضمن رسیدگی به علت انتخاب گوساله و نرینگگی آن در داستان سامری، با تحلیل باورهای فرهنگی بین‌النهرین مبتنی بر کهن‌الگویی یونگ، ویژگی‌های این موجود خاص و اهمیت آیینی و نمادین آن را بررسی کرده است (محققیان، ۱۳۹۹، صص ۲۸۹-۳۲۹).

محمد بن جمعه العمرانی در مقاله خود با عنوان «التفسیر المقارن للجمله القرآنیة: عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» که در شماره ۲۴ مجله دراسات فی التعلیم العالی منتشر شده، اختلاف در جمله قرآنی «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» و اهمیت آن را بررسی کرده است. سپس، نظرات و دیدگاه‌های مفسران را درباره مفهوم عجل ارائه و آنها را با هم مقایسه کرده است (العمرانی، ۲۰۲۳م، صص ۲۷۳-۳۱۹). مقایسه العمرانی فاقد چارچوب نظری منسجم برای تبیین ریشه اختلاف نظر هاست، در حالی که پژوهش حاضر ریشه را در نشانه‌شناسی پیرس جست‌وجو می‌کند.

علاوه بر این پژوهش‌ها، برخی از منابع جایگاه گاو در اسطوره‌ها را بررسی یا ضمن مباحث خود، به این موضوع اشاره کرده‌اند.

با وجود کثرت تفاسیر، تا کنون پژوهشی با چارچوب نشانه‌شناختی پیرس برای تبیین ریشه این اختلافات ارائه نشده است. هدف اصلی پژوهش ارائه تحلیلی دقیق از مفهوم «خوار» در قرآن، با تأکید بر جایگاه ویژه آن در عبارت «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» و ارزیابی اختلاف‌نظرهای

همین امر سبب شد قوم بنی‌اسرائیل که پس از حوادث گوناگون به یکتاپرستی گراییده بودند، از مسیر توحید منحرف و گرفتار شرک و بت‌پرستی شوند. یکی از مسائل مهم در این آیه معنای دقیق واژه «خوار» است. ابهام از آنجا آغاز می‌شود که قرآن وجود صدایی را برای این پدیده گزارش می‌کند، بی‌آنکه آن را نفی یا موهم بدانند. از این رو، پرسش‌هایی اساسی پیش روی مفسران قرار گرفته‌اند: آیا این صدا ماهیت واقعی داشته یا صرفاً نوعی شبیه‌سازی و فریبکاری بوده است؟ اگر واقعی بوده، منشأ آن چه بوده است؟ آیا می‌توان آن را ناشی از سحر و علوم خفیه دانست یا حاصل حيله و تدلیس سامری بوده یا اینکه این صدا به اراده الهی و در مقام آزمون و ابتلای قوم موسی پدید آمده است؟

این پژوهش با تکیه بر نظریه نشانه‌شناسی چارلز پیرس که نشانه را در ارتباط سه‌وجهی با موضوع و تفسیرگر تحلیل می‌کند، می‌کوشد با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، آرای مفسران را درباره معنای «خوار» واکاوی و با تحلیل معناشناختی و نشانه‌شناسانه، نقش این واژه در فهم کل آیه را روشن کند. چارچوب نظری پیرس امکان بررسی هم‌زمان سه بُعد نشانه: شکل ظاهری، واقعیت موضوعی و برداشت مفسران (تفسیرگر) را فراهم می‌کند و از این طریق، تحلیل جامع‌تر و چندلایه‌ای معنایی از آیه ارائه می‌دهد.

۲- پیشینه پژوهش

داستان گوساله سامری به دلیل ذکر آن در تورات، علاوه بر تحلیل مفسران ذیل آیات مرتبط، مورد توجه پژوهش‌هایی متعدد قرار گرفته است. با این حال، بررسی این مطالعات نشان می‌دهد هیچ یک به طور مستقیم به موضوع مقاله حاضر مرتبط نیستند.

در مقاله‌ای با عنوان «داستان حضرت موسی (ع) در سوره طه از منظر نشانه‌شناسی»، نوشته محمد رحیمی خویگانی و

دارد و معنا فقط در تعامل این سه عنصر پدید می‌آید (Eco, 1976, pp. 21-22). این دیدگاه به تحلیل متون دینی، از جمله آیات قرآنی، امکان می‌دهد تا تجربه حسی مخاطب در کنار واقعیت موضوعی و نیز لایه‌های فرهنگی و قراردادی معنا در نظر گرفته شود.

۲-۳- نظریه سه‌گانه نشانه‌ای پیرس و کاربرد آن در تحلیل عبارت «عجلاً جسداً له خوار»

پیرس در چارچوب نظری خود سه عنصر اساسی برای نشانه‌شناسی^۵ را معرفی می‌کند (Peirce, 1931, vol. 2, p. 231). این سه‌گانه که به مثابه قلب نظریه پیرس است و به تحلیل دقیق نشانه‌ها در متن آیه کمک می‌کند (Eco, 1976, p. 19)، عبارت‌اند از:

نشانه‌نما: چیزی که به عنوان نشانه عمل می‌کند و واسطه دلالت است. در این پژوهش، عبارت «عجلاً جسداً له خوار» نقش نشانه‌نما را ایفا می‌کند.

موضوع:^۶ یا نمایه یعنی آنچه نشانه بر آن دلالت دارد. در آیه مدنظر، موضوع همان گوساله‌ای مادی است که دارای جسد و صدا (خوار) است.

تفسیرگر:^۷ معنا یا اثری که نشانه در ذهن مفسر ایجاد می‌کند، یعنی اثر نشانه بر فهم مخاطب یا مفسر. در این پژوهش، آرای مفسران درباره مفهوم گوساله یادشده و صدای آن نقش تفسیرگر را دارند؛ به عبارت دیگر، معنا یا اثری است که نشانه در ذهن مفسر بر جای می‌گذارد.

این سه‌گانه نشانه‌ای یک رابطه دینامیک میان نشانه، موضوع و فهم مخاطب ایجاد و امکان تحلیل چندلایه‌ای معنایی را فراهم می‌کند (Chandler, 2017, p. 110). تأکید پیرس بر این است که این سه عنصر تفکیک‌ناپذیر هستند و هر گونه معناسازی نیازمند حضور هم‌زمان آنهاست

مفسران است. تحلیل دقیق این واژه نه فقط در تبیین درست آیه، بلکه در فهم عمیق‌تر مفاهیم قرآنی و ادبی نقش‌آفرین است. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاشی است برای بازخوانی و روشن‌سازی معنا و کارکرد این واژه و نقد و بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره آن، با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسانه چارلز پیرس.

۳- مبانی نظری پژوهش

این پژوهش با تکیه بر نظریه نشانه‌شناسی چارلز پیرس انجام شده است. نشانه‌شناسی دانشی است برخاسته از زبان‌شناسی که نخستین بار فردینان دوسوسور^۱، زبان‌شناس سوئیسی، شکل‌گیری آن را پیش‌بینی می‌کند. هم‌زمان با او، چارلز پیرس نیز با ارائه نظریه‌هایی درباره این موضوع، دانش نشانه‌شناسی را پایه‌ریزی می‌کند (مطیع و همکاران، ۱۳۹۸).

۳-۱- آشنایی با چارلز پیرس و کلیات نشانه‌شناسی

چارلز سندرز پیرس^۲ (۱۸۳۹-۱۹۱۴م)، فیلسوف و منطق‌دان آمریکایی، به عنوان یکی از بنیان‌گذاران نظریه نشانه‌شناسی^۳ شناخته می‌شود (Peirce, 1931-1958, vol. 2, p. 228). او نشانه را نه صرفاً یک جریان زبانی، بلکه به عنوان یک نظریه کلی شناخت مطرح کرد که کاربردی گسترده در تحلیل متون فرهنگی و دینی دارد (Chandler, 2017, p. 109). بر اساس دیدگاه پیرس، نشانه وسیله‌ای است که چیزی را برای کسی نمایان می‌کند؛ به عبارت دیگر، نشانه باید به شکلی عمل کند که چیزی را به جای خود دلالت دهد، چه آن چیز واقعیت داشته باشد، چه ذهنی یا قراردادی (Cobley, 2010, p. 23).

نکته مهم مورد توجه پیرس این است که نشانه همواره در یک رابطه سه‌وجهی با موضوع خود و تفسیرگر قرار

⁵ Representamen

⁶ Object

⁷ Interpretant

¹ Ferdinand de Saussure

² Charles Sanders Peirce

³ semiotics

⁴ Semiotic Triad

هم‌زمان چند لایه نشانه‌ای داشته باشد که در این صورت، تحلیل چندلایه‌ای معنایی را ضروری می‌کند (Cobley, 2010, p. 23).

۳-۴- مفهوم تفسیرگر و لایه‌های آن

پیرس تفسیرگر را نیز به سه نوع تقسیم می‌کند (Peirce, 1931-1958, vol. 2, p. 285):

تفسیرگر فوری^۴: معنای بالقوه یا اولیه‌ای که از نشانه استنباط می‌شود. در آیه، این معنای ضمنی گوساله و صدای آن است که در خود نشانه نهفته است.

تفسیرگر پویا^۵: اثر واقع‌نمایی که نشانه بر ذهن مفسر می‌گذارد. برداشت‌های مختلف مفسران از عبارت «عجلاً جسداً له خوار» نمونه بارز این سطح است.

تفسیرگر نهایی^۶: معنای توافق‌شده که توسط جامعه مفسران شکل می‌گیرد؛ یعنی قرائت غالب و مورد اجماع. این تفسیر در طول تاریخ شکل گرفته و تثبیت شده است (Chandler, 2017, p. 112).

بنا بر آنچه گفته شد، بر اساس نظریه پیرس، تحلیل آیه «عجلاً جسداً له خوار» در چهار حوزه به شرح زیر انجام می‌شود: «طبقه‌بندی دقیق نشانه‌های آیه در سه بُعد آیکونیک، ایندکسی و سمبولیک»، «تحلیل چندلایه‌ای معنایی که فهم حسی، شناختی و فرهنگی را در کنار هم می‌نشانند»، «ارتباط تحلیل نشانه‌ای با دیدگاه‌های تفسیری مفسران؛ امکان تطبیق و بررسی درون‌متنی تفسیرها با ساختار نشانه‌ای» و «ایجاد چارچوب منسجم و علمی برای تحلیل متن مقدس به زبان نشانه‌شناسانه؛ و ارائه روشی نو در پژوهش قرآنی». این چارچوب نه فقط تحلیل متن را دقیق و نظام‌مند می‌کند، بلکه امکان نقد و بررسی تاریخی و فرهنگی آرای مفسران را در قالب یک نظریه علمی فراهم می‌کند.

(Cobley, 2010, p. 42). این اصل در تحلیل آیه اهمیتی ویژه دارد، زیرا هم تصویر گوساله، هم صدای آن و هم تفسیرهای تاریخی و اخلاقی مفسران از آیه در این چارچوب بررسی می‌شوند.

۳-۳- تقسیم‌بندی سه‌گانه نشانه‌ها: آیکون، ایندکس، سمبل

پیرس نشانه‌ها را بر اساس رابطه آنها با موضوع به سه دسته تقسیم می‌کند (Peirce, 1931-1958, vol. 2, p. 247). **آیکون^۱:** نشانه‌ای که بر اساس شباهت مستقیم با موضوع خود، دارای دلالت است و شامل ویژگی‌های بصری یا صوتی است. این ویژگی تجربه حسی مخاطب را تحریک می‌کند و تصویری زنده و ملموس از نشانه ایجاد می‌کند (Eco, 1976, p. 22). در آیه «عجلاً جسداً له خوار»، جسد گوساله شباهت بصری با گاو واقعی دارد و صدای «خوار» نیز مشابه صدای طبیعی این موجود است.

ایندکس^۲: نشانه‌ای که بر اثر رابطه علی و معلولی یا مجاورت، با موضوع مرتبط است و دلالتی عینی و طبیعی دارد. از آنجا که صدای «خوار» به وجود و کنش گوساله اشاره می‌کند، ایندکس محسوب می‌شود، زیرا رابطه مستقیم علی میان صدا و موضوع برقرار است. حتی اگر گوساله، شیئی مصنوعی باشد، اثر علیتی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود (Peirce, 1931-1958, vol. 2, p. 253).

سمبل^۳: نشانه‌ای که بر اساس قراردادهای و توافقات اجتماعی یا فرهنگی معنا پیدا می‌کند (Chandler, 2017, p. 113). گوساله در این آیه نماد شرک و انحراف از توحید است و معنا و پیام اخلاقی آن فقط در بستر فرهنگ دینی و تفسیری در بافتار آیه قابل درک است. این لایه امکان تحلیل پیام اخلاقی و فرهنگی آیه را فراهم می‌کند. تأکید پیرس بر این است که معمولاً یک نشانه می‌تواند

⁴ Immediate Interpretant

⁵ Dynamical Interpretant

⁶ Final Interpretant

¹ Icon

² Index

³ Symbol

۴- خوانش تطبیقی ماجرای گوساله طلایی در قرآن

کریم و عهدین

پس از طولانی شدن غیبت موسی (ع) در میقات که طبق آیه ۱۴۲ سوره اعراف بر اساس حکمت و اراده الهی ده شب به آن افزوده شد، «و اتمناها بعشر فتم میقات ربه» (اعراف/۱۴۲)، سامری در میان بنی اسرائیل چنین شایع کرد که موسی از دنیا رفته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۳۸). او از این فرصت استفاده کرد و با جمع‌آوری طلاهای مردم، مجسمه‌ای به شکل گوساله ساخت و بنی اسرائیل را به پرستش آن دعوت کرد. این مجسمه صدایی شبیه صدای گاو داشت که خارق‌العاده به نظر می‌رسید. هارون — که در غیاب موسی (ع) جانشین او در میان بنی اسرائیل بود — مردم را از این عمل نهی کرد و آن را آزمونی الهی دانست (طه/۸۵، ۹۰). پس از بازگشت موسی (ع) از طور سینا و اطلاع از این انحراف، او به شدت هارون را سرزنش کرد، سامری را مجازات کرد و گوساله طلایی را سوزاند و خاکستر آن را به دریا افکند (طه/۹۴-۹۳، ۹۷). قرآن ضمن اشاره به مجازات سخت و ابدی سامری، از این گوساله با عبارت «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» یاد کرده است (اعراف/۱۴۸؛ طه/۸۸). همچنین، مطابق آیات سوره بقره، گوساله پرستان با مجازاتی شدید مواجه شدند (بقره/۴-۵۱). این داستان در قرآن کریم عمدتاً در سوره‌های اعراف و طه روایت شده است.

ماجرای گوساله طلایی در کتاب مقدس، سفر خروج، با وجود شباهت‌های فراوان با روایت قرآنی، دارای تفاوتی بنیادین است. در تورات، ساختن گوساله طلایی و گمراه کردن بنی اسرائیل نه به سامری، بلکه به هارون (ع) نسبت داده شده است. این اختلاف در تعارض با متن قرآن است و از نمونه‌های تحریف در تورات به شمار می‌رود که این پژوهش آن را بررسی نمی‌کند. با وجود پردازش گسترده جزئیات در عهدین، هیچ اشاره‌ای به صدای گوساله که در قرآن بر آن تأکید شده است، دیده نمی‌شود. تورات ادامه ماجرا، چگونگی نابودی گوساله، هدایت

مجدد بنی اسرائیل و اقدامات موسی (ع) را با جزئیات بیشتری روایت کرده است که با اندکی تفاوت، مشابه قرآن و منابع قصص القرآن است (کتاب مقدس، سفر خروج، ۳۲: ۸).

۵- دلالت‌های معنایی «عجل»، «جسد» و «خوار» در بافتار آیه

۵-۱- **عجل**: ماده «عجل» چندین بار در قرآن به کار رفته است. اصل این کلمه در زبان عربی معانی مختلفی دارد، یکی از پرکاربردترین معانی آن در قرآن (انبیا/۳۷؛ طه/۳، ۸۴، ۱۱۴؛ نحل/۱، ۴۶؛ رعد/۶؛ حج/۴۷؛ یونس/۱۱) به معنای «شتاب و سرعت در انجام کاری و خواستن و قصد چیزی قبل از مدت‌ش دانسته شده است. همچنین، به معنای «گوساله» نیز ده بار در قرآن به کار رفته است (نساء/۱۵۳؛ بقره/۵۱؛ اعراف/۱۴۸؛ طه/۸۸)؛ با این تصور که گوساله در راه رفتن و حرکت شتاب دارد و وقتی گاو شد آرام حرکت می‌کند (فراهدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۲۸؛ مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۸، ص ۴۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۵۴).

۵-۲- **جسد**: واژه «جسد» به معنای پیکر، بدن یا کالبد است و هم برای موجودات زنده و هم برای مردگان به کار رفته است. در قرآن، «جسد» به انسان و غیرانسان و نیز به اجسام بی‌روح و دارای روح اطلاق شده است. برای مثال، در آیه ۸۸ سوره طه آمده است: «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ» که به گوساله‌ای اشاره دارد که فقط یک «جسد» (پیکر) بود. همچنین، در داستان موسی و ساحران، جسد به عنوان بدن انسان به کار رفته است (طریحی نجفی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۱؛ قرشی بنابی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۷). برخی جسد را دارای مفهومی محدودتر از «جسم» دانسته و گفته‌اند جسد بر غیرانسان اطلاق نمی‌شود مگر به طور نادر، ولی جسم اعم از آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲، ص ۱۰۰؛ طریحی نجفی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵). واژه جسد درباره موجودات

۶- دیدگاه مفسران درباره مفهوم «عجل»

آیه «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُور» در دو سوره از قرآن کریم، سوره اعراف (آیه ۱۴۸) و سوره طه (آیه ۸۸) آمده است. این آیه به داستان گوساله سامری و گمراهی قوم بنی اسرائیل اشاره دارد. کلمه «عجلاً» در این آیه به گوساله ساخته‌شده توسط سامری اشاره دارد و در تفسیر آن، دو دیدگاه مختلف از سوی مفسران مطرح شده‌اند:

۶-۱- مجسمه گوساله

بیشتر مفسران «عجلاً» را به معنای مجسمه گوساله دانسته‌اند. آنها معتقد هستند سامری با استفاده از زیورآلات و اشیای قیمتی قوم بنی اسرائیل، مجسمه‌ای از گوساله ساخت و آن را به عنوان معبود قوم معرفی کرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۲۶۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۰۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۶۷؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۲).

۶-۲- گوساله سحرآمیز و جادویی

برخی از مفسران معتقد هستند این موجودی بود که با گوساله‌های معمولی تفاوت داشت و به نوعی، غیرطبیعی و سحرآمیز بود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۰۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۸). برخی دیگر افزوده‌اند: «عجل گوساله‌ای بود که سامری آن را با طلا و زیورآلات ساخت و با گوساله‌های دیگر فرق داشت» (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۸).

چنانکه گفته شد، به نظر می‌رسد بیشتر مفسران آن را به معنای گوساله ساخته‌شده از ابزارآلات و اشیای قیمتی و برخی دیگر آن را به معنای گوساله ساخته‌شده سحرآمیز

زمین و امثال آنها غیر از انسان به کار نمی‌رود. جسد دارای رنگ است و به اشیائی که رنگی ندارند، مانند آب و هوا، جسم گفته می‌شود. مانند آیه «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ» (نساء/۸) که شاهدی است بر نظر خلیل درباره جسم و جسد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۹۹). همچنین، برخی آن را به معنای بدن (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۴۵۶) و برخی دیگر آن را به معنای جسم انسان و جسم جن و ملائکه دانسته‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۳).

۵-۳- خوار: واژه خوار در قرآن فقط دو بار در آیات ۱۴۸ سوره اعراف و ۸۸ سوره طه به کار رفته است و در هر دو مورد، به معنای صدای گاو آمده است. لغت‌شناسان اصل واژه «خور» را دال بر صوت و صدا دانسته‌اند. چنانکه در زبان عربی گفته می‌شود «خار الثور يخور» که به صدای تولیدشده توسط گاو نر اشاره دارد (احمد بن فارس، ۱۴۲۲ق، ص ۳۱۶). برخی از زبان‌شناسان معتقد هستند این واژه به طور خاص برای صدای گاو به کار می‌رود و در مواردی به صورت استعاری برای صدای شتر نیز استفاده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۶۶). ابن عباس در پاسخ به نافع بن ازرق که از او معنای خوار را جویا شد، آن را به فریاد و صدا تفسیر و برای تأیید سخن خود به شعری استشهد کرد: «كَأَنَّ بَنِي مُعَاوِيَةَ بَنَ بَكْرًا إِلَى الْإِسْلَامِ صَائِحَةً تَخُور» (سیوطی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۸۶)، یعنی گویی بنی معاویه بن بکر با فریاد و ناله اسلام آوردند. از سوی دیگر، برخی از لغت‌پژوهان با استناد به ریشه خور که دلالت بر ضعف دارد (احمد بن فارس، ۱۴۲۲ق، ص ۳۱۶)، خوار را به صدای ضعیف گاو در مقایسه با سایر چهارپایان، مانند اسب و الاغ، تفسیر کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۵۸). با توجه به آنچه گفته شد، «خوار» در اصل به صدای گاو اشاره دارد. اما در برخی از تفاسیر، به دلیل ارتباط این واژه با ریشه «خور» (به معنای ضعف)، آن را به معنای صدای ضعیف گاو در مقایسه با دیگر انواع دانسته‌اند.

توسط سامری دانسته‌اند. با این حال، وجه مشترک همه این دیدگاه‌ها این است که «عجلاً» به نوعی گوساله با ویژگی‌های خاص اشاره دارد.

از دیدگاه نشانه‌شناسی پیرس، این دوگانگی در آرای مفسران درباره واژه «عجل» نشان‌دهنده تفاوت در سطح دلالت و نوع تفسیرگر است. مفسرانی که «عجل» را به معنای مجسمه‌ای ساخته‌شده از زیورآلات می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۶۹؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۹۲)، در واقع بر بُعد ایکونیک (شمایلی) نشانه تأکید دارند؛ زیرا در این لایه، نشانه صرفاً بر اساس شباهت ظاهری و صوری با موضوع (گوساله واقعی) بازنمایی می‌شود. در مقابل، مفسرانی که به هاهیت سحرآمیز و غیرطبیعی آن اشاره کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۳۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۴)، نشانه را از سطح ایکونیک فراتر می‌برند و به لایه سمبولیک (نمادین) نزدیک می‌کنند. در این ساحت، «عجل» دیگر فقط یک بازنمایی صوری نیست، بلکه به عنوان «تفسیرگر پویا»، حامل معنایی ثانویه از انحراف و آزمون الهی است که در آن، قراردادهای ذهنی مخاطب (بنی اسرائیل) بر واقعیت مادی شیء غلبه می‌یابند و آن را به مقام معبودیت برمی‌کشند.

۷- دیدگاه مفسران درباره مفهوم کلمه «جسد»

کلمه «جسد» در این آیه به پیکر بی‌جان گوساله ساخته‌شده توسط سامری اشاره دارد و در تفسیر آن، دیدگاه‌هایی مختلف از سوی مفسران ارائه شده‌اند:

۷-۱- جسم بی‌جان

بیشتر مفسران «جسد» را به معنای جسم بی‌جان و فاقد روح دانسته‌اند. آنها معتقد هستند این شیء هرچند ظاهری شبیه گوساله داشت، در واقع، جسمی بی‌روح و بی‌جان و فاقد آثار حیات بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۶۹ و ج ۸، ص ۳۱۹؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق،

ج ۱۵، ص ۳۶۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴). استعمال جسد ویژه جسم حیوان است وقتی روح نداشته باشد و مراد آیه این است که از نظر شکل ظاهری و حجم و مقدار هانند گوساله اما بی‌جان بود، زیرا قرآن می‌گوید: «مَنْ حَلِيْهُمْ» و نیز می‌گوید «لَهُ خَوَارٌ» و اگر آن موجود دارای گوشت و خون بود، ذکر این دو تعبیر تعجب‌آور می‌بود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۹۲).

برخی گفته‌اند: «كَلِمَةُ جَسَدٍ بِهَ مَعْنَايِ جِسْمٍ بِيْ جَانٍ اسْت» و مراد آیه این است که گوساله مزبور جاندار نبوده، بلکه فقط صدای گوساله داشته است. علامه می‌افزاید بعد از رفتن موسی (ع) به میقات پروردگار، بنی‌اسرائیل از دیرآمدنش به تنگ آمدند و سامری از ناشکیبایی ایشان استفاده کرد و آنان را فریب داد، به این طریق که زینت‌آلات ایشان را گرفت و از آن مجسمه گوساله‌ای ساخت که مانند سایر گوساله‌ها صدا می‌کرد. این گوساله مجسمه‌ای بود دارای آواز. به عبارت دیگر، جسد عجل، خائر (دارای صدا) بود. مانند این کلام در تفاسیر برجسته دیگری نیز دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۶۹ و ج ۸، ص ۳۱۹؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۴؛ خزرجی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۰۷؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۱۳؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۷۲).

۷-۲- جسم جاندار

«جسد: به معنای کالبد حیوان است. جسم نیز هم به کالبد حیوانات گفته می‌شود و هم به جمادات. در مورد گوساله، می‌گوید: سامری مقداری خاک از جای پای اسب جبرئیل که برای شکافتن دریا آمده بود برداشت و در دهان گوساله ریخت و تبدیل به گوشت و خون شد و جان گرفت و صدا داشت. هنگامی که خاک را در دهان گوساله ریخت،

حرکت نمود و صدایی داشت و مو و پشم بر بدنش روئید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۹). مانند این سخن در تفاسیری دیگر نیز آمده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲؛ طوسی، بی‌تا، ص ۵۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ص ۱۵۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ص ۳۳۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ص ۳۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۵؛ خازن، ۱۴۱۵، ص ۲۵۰).

در تفسیر درالمشور و تفاسیر دیگر با اندکی تفاوت آمده است که سامری مقداری خاک را که از جای پای اسب جبرئیل که برای شکافتن دریا آمده بود برداشته بود در هنگام آتش‌زدن طلا و جواهرات بنی‌اسرائیل، داخل آتش ریخت و طلاها تبدیل به گوساله‌ای شد که دارای گوشت و خون بود و جان گرفت (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۰۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۳۶۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ص ۱۵۶۷؛ نسفی، ۱۴۱۶، ص ۱۱۲).

فخر رازی در اثبات سخن بالا چنین استدلال می‌کند که اولاً، خداوند فرموده است: «عجلاً جسداً له خوار» و «جسد» اسم است برای جسمی که دارای گوشت و خون است. البته برخی گفته‌اند جسد بر هر جسم کثیف اطلاق می‌شود خواه دارای گوشت و خون باشد یا نه. ثانیاً، خداوند فرموده است: «له خوار» و وجود «خوار» را برای آن گوساله اثبات کرده است و این کلمه دربارهٔ حیوان به کار می‌رود. البته برخی گفته‌اند آن صدایی شبیه خوار بوده است و بعید نیست که واژه «خوار» را بر آن اطلاق کرده باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۳۶۹).

دربارهٔ دلیل جانداربودن جسم گوساله دو دیدگاه در میان مفسران وجود دارند:

۷-۲-۱- جسم جاندار ناشی از کید شیطان

برخی از مفسران ذیل آیه «فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ» (طه/۸۵) «فتنه» را به معنای آزمایش دانسته‌اند؛ یعنی «ها قوم تو را بعد از تو امتحان کردیم و سامری ایشان را گمراه کرد». سبب آن این بود که وقتی خداوند به موسی وعده

داد که تورات و الواح را تا سی روز دیگر بر او نازل کند، به بنی‌اسرائیل مژده داد و گفت برای گرفتن تورات سی روز به میقات می‌رود. چون سی روز تمام شد و موسی نیامد، بنی‌اسرائیل سر به طغیان نهادند و از فرمان هارون بیرون شدند و خواستند او را بکشند. می‌گفتند: «موسی دروغ گفته و از ما فرار کرده است». در این میان، ابلیس به صورت مردی نزد آنان آمد و گفت: «موسی فرار کرده و دیگر برنمی‌گردد. پس برای اینکه بی‌خدا نمانید، زیورهایتان را جمع کنید تا برایتان معبودی بسازم». آن روز که لشکر موسی به دریا زد و فرعون و یارانش غرق شدند، سامری پیشاپیش لشکر موسی بود و جبرئیل را دید که بر اسب رمکه سوار بود. پای اسب هر کجا می‌رسید، خاک زیر آن حرکت می‌کرد. سامری که در آن زمان از نیکان اصحاب موسی بود، مقداری از خاک زیر پای اسب را برداشت و در انبانی ریخت و آن را نزد خود نگاه می‌داشت. تا روزی که ابلیس آمد و پیشنهاد ساختن معبود داد. پس از ساختن گوساله، ابلیس از سامری خواست خاک را بیاورد و آن را در جوف گوساله ریخت؛ بلافاصله گوساله به حرکت درآمد و صدای گوساله‌ای طبیعی سرداد. بنی‌اسرائیل در برابر آن سجده کردند و حدود هفتاد هزار نفر به سجده افتادند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۸۳). جمعی از مفسران معتقد هستند سامری با اطلاعات خود، لوله‌هایی در درون سینهٔ گوسالهٔ طلایی کار گذاشته بود که هوای فشرده از آن خارج می‌شد و صدایی شبیه گاو بیرون می‌آمد! بعضی دیگر گفته‌اند گوساله را در مسیر باد گذارده بود تا وزش باد از دهان آن صدا بیرون آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۷۲). اما اینکه برخی از مفسران گفته‌اند گوسالهٔ سامری به خاطر خاک زیر پای جبرئیل زنده شد و صدای طبیعی داد، شاهدی در قرآن ندارد. کلمهٔ «جسد» نشان می‌دهد جاندار نبوده، زیرا این واژه همواره به معنای جسم بی‌جان آمده است. افزون بر این، بعید است خداوند به مردی منافق همچون سامری

چنان قدرتی دهد که بتواند کاری همانند معجزه موسی انجام دهد و جسمی بی‌جان را جاندار کند؛ کاری که برای مردم بسیار گمراه‌کننده بود. نکته دیگر اینکه سامری می‌دانست قوم موسی سال‌ها در محرومیت بودند و اندیشه مادی‌گرایی در میان‌شان غلبه داشت و برای زر و زیور احترامی خاص قائل بودند؛ از این رو، گوساله را از طلا ساخت تا توجه آنان را جلب کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۷۲).

۷-۲-۲- جسم جاندار به عنوان وسیله‌ای برای امتحان و آزمایش قوم موسی

هارون - بنا به روایت قرآن - به قوم خود گفت: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي» (طه/۹۰). آنان پاسخ دادند: «لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى» (طه/۹۱). در پی این گفت‌وگو، قصد قتل هارون کردند و او ناچار گریخت. در همین هنگام، چهل روز میقات موسی به پایان رسید. روز دهم ذی‌الحجه، خداوند الواح تورات مشتمل بر احکام و قصص را نازل کرد و وحی فرستاد: «قوم تو را بعد از رفتنت آزمودیم و سامری آنان را گمراه ساخت، و آنان گوساله‌ای پرستیدند که صدا داشت». موسی پرسید: «پروردگارا، سامری گوساله را ساخت، صدا از چه بود؟» فرمود: «من قرار دادم، تا چون مرا با گوساله عوض کردند، کیفرشان سخت‌تر گردد». موسی (ع) با خشم بازگشت و فرمود: «مگر پروردگارتان وعده نیکو نداد؟ آیا تنها به خاطر طولانی‌شدن وعده (ده روز) از راه خدا منحرف شدید یا می‌خواستید غذایی بر شما نازل گردد؟» سپس الواح را بر زمین زد و ریش و سر هارون را گرفت و گفت: «چرا آنان را رها کردی؟» هارون پاسخ داد: «ای پسر مادرم! ترسیدم بگویی تفرقه افکندی و از فرمان من سرپیچی کردی». بنی‌اسرائیل گفتند: «ما به اختیار خویش تخلف نکردیم؛ زیورات قبطیان را داشتیم، آنها را

انداختیم و سامری خاکی را که همراه داشت در آن ریخت». بدین سان، سامری گوساله‌ای ساخت که صدا می‌داد. موسی پرسید: «چرا چنین کردی؟» سامری گفت: «من چیزی دیدم که آنان ندیدند، مشتی از اثر رسول گرفتم و در آن ریختم؛ نفسم آن را در نظرم جلوه داد». موسی گوساله را سوزاند و به دریا افکند و به سامری گفت: «از این پس بهره‌ات این است که بگویی: با من تماس نگیرید» و این نشان در نسلش باقی ماند تا مردم آنان را با عنوان «لامساس» بشناسند. سپس فرمود: «به معبود بنگر که چگونه براده و خاکش را به دریا می‌ریزم. معبود شما تنها خدایی است که دانایی‌اش همه چیز را در بر گرفته» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۸۳).

برخی گفته‌اند موسی پرسید: «گوساله را سامری ساخت، صدا را چه کسی داد؟» وحی آمد: «من قرار دادم و آن آزمایش و امتحان بنی‌اسرائیل بود» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۰۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۳۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۲۹؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۷۲).

چنانکه گفته شد، درباره مفهوم کلمه «جسد» در آیه «عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ»، دیدگاه‌هایی مختلف از سوی مفسران ارائه شده‌اند. بیشتر مفسران آن را به معنای جسم بی‌جان و فاقد روح و برخی دیگر آن را به معنای جسم جاندار دانسته‌اند. تحلیل آرای مفسران درباره واژه «جسد» بر اساس الگوی پیرس نشان‌دهنده انتقال نشانه از سطح آیکونیک به سطح ایندکسیک (نمایه‌ای) است. مفسرانی که «جسد» را بر پیکره‌ای بی‌جان حمل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۳۱۹؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۹۲)، در واقع برای این نشانه کارکردی نمایه‌ای قائل شده‌اند؛ زیرا در اینجا «جسدبودن»، نمایه‌ای بر غیاب روح و علتی بر نفی حیات است. در مقابل، مفسرانی که معتقد هستند این جسد به واسطه خاک پای جبرئیل یا اراده الهی واجد گوشت و خون شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۹؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲)، سطح دلالت نشانه را تغییر

می‌دهند. در این خوانش، جسد به یک «تفسیرگر فوری» تبدیل می‌شود که برخلاف ظاهر مادی‌اش، به موضوعی فراهمادی دلالت دارد. از این دیدگاه، اختلاف مفسران در واقع بر سر این است که آیا «جسد» نمایه‌ای است که به «فریب و توخالی بودن» اشاره دارد یا نمایه‌ای است که به «آزمون و ابتلای الهی» پیوند می‌خورد؛ امری که نشان می‌دهد چگونه یک نشانه واحد می‌تواند در ذهن مفسران مختلف، «تفسیرگرهای پویا» و متفاوتی ایجاد کند.

۸- دیدگاه مفسران درباره مفهوم کلمه «خوار»

آیه «عَجَلًا جَسَدًا لَه خَوَارٌ» در قرآن کریم (اعراف/۱۴۸ و طه/۸۸) به گوساله سامری اشاره دارد که صدایی شبیه صدای گاو داشت. این آیه نه فقط در بیان داستان گوساله سامری، بلکه در تحلیل معنای واژه «خوار» نیز مورد توجه بسیاری از مفسران قرار گرفته است. چنانکه گفته شد، واژه «خوار» در این آیه به صدای گوساله اشاره دارد. در ادامه، دسته‌بندی و تحلیل دیدگاه‌های مفسران درباره مفهوم و ماهیت «خوار» ارائه شده‌اند:

۸-۱- صدای ناشی از فریبکاری سامری

برخی از مفسران معتقد هستند سامری با استفاده از حيله‌ای، صدایی شبیه صدای گوساله را ایجاد کرد و قوم بنی‌اسرائیل را فریب داد که این صدای فریبکارانه می‌تواند به دو صورت ایجاد شده باشد:

۸-۱-۱- دمیدن شخص

برخی گفته‌اند مجسمه توخالی بود و در زیر جایگاهی که گوساله قرار داده شده بود، سامری فردی را قرار داده بود که در آن می‌دمید و مردم نمی‌دانستند و صدایی مثل صدای گوساله می‌شنیدند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۹).

۸-۱-۲- گردش باد در داخل شیارها و منافذ مجسمه

بیشتر مفسران معتزله معتقد هستند سامری مجسمه را توخالی ساخت و در درون آن منافذ و شیارهایی قرار داد و سپس مجسمه را در مسیر وزش باد قرار داد؛ به طوری که وقتی باد وارد آن منافذ می‌شد صدایی شبیه صدای گوساله از آن به گوش می‌رسید (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۸؛ ابن ابی حاتم، ۴۱۹ق، ص ۱۵۶۷). نیز گفته شده است سازنده گوساله در درون آن منافذ و شیارهایی قرار داد و در درون آن ابزاری نافخه پنهان کرد که وقتی حرکت می‌کرد، هوا در درون آن جمع و از منافذ آن خارج می‌شد و صدایی شبیه صدای گوساله تولید می‌کرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۷۲).

۸-۲- صدای ناشی از سحر و جادو

برخی دیگر از مفسران «خوار» را به معنای صدایی غیرطبیعی و ناشی از سحر و جادو دانسته‌اند که توسط سامری ایجاد شده بود. آنها معتقد هستند این صدا وسیله‌ای برای آزمایش قوم موسی یا کید شیطانی بوده که سامری برای فریب قوم بنی‌اسرائیل از آن استفاده کرده است. فخر رازی می‌گوید خوار صدایی بود که سامری آن را از گوساله بیرون آورد و آن صدا مانند صدای گاو بود. قائلان این سخن استدلال می‌کنند خداوند در آیه ۹۶ سوره طه گفته است: «فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ» و دلیل دیگر اینکه خداوند گفته است «عَجَلًا» و این کلمه درباره حیوان به کار می‌رود و آن را جسد نامید و این واژه درباره موجودات زنده استعمال می‌شود و نیز خداوند فرموده است: «لَه خَوَارٌ» و وجود صدا را تأیید کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۹). این سخن در تفاسیری دیگر نیز بیان شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۴؛ ابن کثیر، ۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۸).

ابن عباس آن را به «فریاد» و «صدای بلند» تفسیر کرده است (سیوطی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۸۶). این دیدگاه از

مجسمه (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۷۲) نشان‌دهنده رابطه‌ای علی و معلولی است که در آن، «صدا» نمایه‌ای بر وجود یک محرک (خواه باد، خواه سحر) در درون بت تلقی می‌شود. در نهایت، تفسیر «خوار» به معنای «ضعف و خواری» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۷۵) نشانه را به سطح سمبولیک (نمادین) ارتقا می‌دهد. در این ساحت، نشانه دیگر یک پدیده صوتی نیست، بلکه بر اساس یک قرارداد فرهنگی-دینی، به نمادی از انحطاط معنوی و سقوط اخلاقی بنی‌اسرائیل تبدیل می‌شود. این تکرار دلالتی نشان می‌دهد «خوار» چگونه از یک مفسر فوری (صدای حسی) به یک مفسر نهایی (درس اخلاقی و فرجام شرک) تطور می‌یابد.

۹- استنتاج نهایی و الگوی تطبیقی یافته‌ها

تحلیل آرای مفسران ذیل عبارت «عجلاً جسداً له خوار» بر پایه نظریه چارلز پیرس نشان می‌دهد کثرت دیدگاه‌های تفسیری، بیش از آنکه ناشی از ابهام در متن و حیانی باشد، برخاسته از تفاوت در سطوح نشانه‌پردازی و نوع نگاه مفسران به رابطه میان دال و هدلول است. همان‌طور که در بررسی واژگان کلیدی مشاهده شد، این عبارت مجموعه‌ای از نشانه‌های لایه‌بندی‌شده را شکل می‌دهد که از سطح حسی (آیکونیک) آغاز می‌شود، از مجرای دلالت‌های علی و معلولی (ایندکسیک) عبور می‌کند و در نهایت، به لایه‌های عمیق کلامی و تربیتی (سمبولیک) ختم می‌شود. جدول (۱) خلاصه و سنتز نهایی این تحلیل را به منظور نمایش انسجام میان آرای مفسران و ساختار نشانه‌شناختی آیه ارائه می‌دهد:

اهمیتی خاص برخوردار است، زیرا نشان می‌دهد این صدا فقط به معنای فیزیکی صدای گاو نیست، بلکه به معنای فرایند شبیه‌سازی و فریب‌دهنده‌ای است که سامری با سحر برای به دام انداختن بنی‌اسرائیل از آن استفاده کرده است.

واژه «خوار» علاوه بر اشاره به صدای گاو، به مفهوم «ضعف» نیز تفسیر شده که بر اساس ریشه «خور» به معنای ضعف یا ناتوانی است. از این دیدگاه، «خوار» نه فقط به صدای گاو نر اشاره دارد، بلکه حاکی از سحر و ضعیف‌بودن این گوساله است که قادر نیست حقیقتی را بر اساس قدرت الهی نشان دهد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۳۴). برخی باور دارند خوار به نوعی می‌تواند نشانگر یک خدعه باشد و سامری در ساخت گوساله قصد داشته است تا از طریق صدای شبیه گاو، بنی‌اسرائیل را به پرستش آن گمراه کند. به همین دلیل، «خوار» نه فقط یک ویژگی صوتی، بلکه ابزاری برای فریب بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۷۵).

چنانکه گفته شد، درباره مفهوم کلمه «خوار» در این آیه دیدگاه‌هایی مختلف از سوی مفسران ارائه شده‌اند. برخی آن را به معنای صدای ناشی از فریبکاری سامری و گروهی هم آن را به معنای صدایی جادویی و سحرآمیز دانسته‌اند. وجه مشترک همه این دیدگاه‌ها این است که «خوار» تداعی گر صدای گوساله است.

واکاوی واژه «خوار» در چارچوب نظریه پیرس پیچیده‌ترین لایه نشانه‌شناختی این آیه را آشکار می‌کند، زیرا این نشانه به طور هم‌زمان در سه سطح عمل می‌کند. نخست، در سطح آیکونیک (شمایلی)، مفسرانی مانند ابن عباس که آن را صرفاً «صدای گوساله» دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۸۶)، بر شباهت صوتی نشانه با موضوع واقعی تأکید دارند. دوم، در سطح ایندکسیک (نمایه‌ای)، تبیین‌های مربوط به فریبکاری سامری یا دمیدن در منافذ

جدول ۱- سنتز لایه‌های نشانه‌شناختی پیرس در تحلیل واژگان کلیدی آیه بر اساس آرای مفسران

واژگان کلیدی	سطح نشانه‌ای غالب	ماهیت تفسیرگر در ذهن مفسر	غایت دلالتی در بافتار آیه
عجل	آیکونیک (شمایلی)	مفسر فوری: بازنمایی صوری شیء	تأکید بر جنبه‌های مادی و تجسمی فتنه سامری
جسد	ایندکسیک (نمایه‌ای)	مفسر پویا: دلالت بر غیاب روح/آزمون الهی	تبیین ماهیت اعجازگونه یا فریبکارانه واقعه
خوار	سمبولیک (نمادین)	مفسر نهایی: نماد سقوط و انحطاط معنوی	انتقال از معنای صوتی به پیام هشداردهنده اخلاقی

این نظام نشانه‌ای نشان می‌دهد مبنی بر اینکه متن قرآن با گزینش دقیق این سه واژه فقط به دنبال گزارش یک واقعه تاریخی نبوده، بلکه شبکه‌ای از نشانه‌ها را پدید آورده است که مخاطب را از ادراک حسی (صدای گوساله) به سوی تحلیل عقلانی (ماهیت جسد) و در نهایت، شهود اخلاقی (فرجام شرک) هدایت می‌کند. به این ترتیب، رویکرد پیرس ثابت می‌کند آرای مفسران نه فقط تعارضی با هم ندارند، بلکه هر یک بخشی از لایه‌های پویای این «نشانه-متن» مقدس را بازنمایی کرده‌اند.

۱۰- نتیجه‌گیری

مفسران در تحلیل عبارت «عجلاً جسداً له خوار» و صدای رازآلود آن، آرای گوناگون از جمله اشاره به مجسمه‌ای بی‌جان، گوساله‌ای سحرآمیز و جاندار، امری ناشی از کید شیطان، وسیله‌ای برای آزمایش بنی‌اسرائیل، فریبکاری سامری در ایجاد صدا، دمیدن شخص و نیز گردش باد در جوف مجسمه ارائه کرده‌اند.

تحلیل نشانه‌شناختی آرای مفسران درباره این عبارت، مبتنی بر سه گونه مفسر (تفسیرگر فوری، پویا و نهایی) مدنظر چارلز پیرس، نشان داد اختلاف میان آنان صرفاً به سطح واژگان یا توصیفات فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه به نحوه درک آنان از ماهیت نشانه و نسبت آن با مرجع و مفسر بازمی‌گردد. چارچوب سه‌گانه پیرس (آیکونیک، نمایه‌ای و نمادین) امکان می‌دهد تا این تفاوت‌ها را نه تعارض، بلکه تنوع در شیوه‌های نشانه‌پردازی و معناسازی تلقی کرد؛ تنوعی که بیانگر پویایی و غنای سنت تفسیری

اسلامی است. بررسی واژگان کلیدی «عجل»، «جسد» و «خوار» نشان داد این مفاهیم علاوه بر ارجاع به واقعیت عینی و تاریخی گوساله سامری، حامل لایه‌هایی عمیق‌تر از معناهای اخلاقی، تربیتی و کلامی هستند. از دیدگاه نشانه‌شناسی، این واژه‌ها همچون نمادهایی عمل می‌کنند که شبکه‌ای از دلالت‌ها را شکل می‌دهند: از یک سو، به نشانه‌های حسی (مانند صدای گوساله) و شیء خارجی (گوساله ساخته‌شده توسط سامری) متصل هستند و از سوی دیگر، به ساحت مفهومی و معنوی (فریب، انحراف و آزمون ایمانی بنی‌اسرائیل) ارجاع می‌دهند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت قرآن کریم در بازنمایی این داستان صرفاً گزارشگر یک رخداد تاریخی نیست، بلکه با گزینش دقیق واژگان و چینش نشانه‌ها، در حال آموزش مفاهیم بنیادین اخلاقی و اعتقادی است. به این ترتیب، تحلیل نشانه‌شناختی نه فقط به فهم ژرف‌تر این آیه یاری می‌رساند، بلکه چشم‌اندازی تازه برای تفسیر سایر آیات قرآن نیز فراهم می‌آورد؛ چشم‌اندازی که نشان می‌دهد متن وحیانی واجد نظامی چندلایه از معناست و خواننده را به سوی تأمل در نسبت میان نشانه، معنا و حقیقت هدایت می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
کتاب مقدس.
ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن*

رحیمی خویگانی، محمد، و شاملی، نصرالله (۱۳۹۲).
داستان حضرت موسی (ع) در سوره طه از منظر
نشانه‌شناسی. مجله کتاب قیم، ۳۳ (۹)، ۱۱۷-۱۳۷.

https://kq.meybod.ac.ir/article_465.html
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن
حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل
(چاپ سوم، به کوشش مصطفی حسین احمد). بیروت:
دار الکتاب العربی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر
المشور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت
آیت الله مرعشی نجفی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۲ق). الإیتقان فی
علوم القرآن. بیروت: دار ابن کثیر.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر
القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی
تفسیر القرآن (به کوشش فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم
رسولی). تهران: ناصر خسرو.

طریحی نجفی، فخرالدین. (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین.
تهران: بی نا.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر
القرآن (به کوشش احمد حبیب عاملی). بیروت: دار إحياء
التراث العربی.

العمرائی، محمد بن جمعه. (۲۰۲۳م). التفسیر المقارن
للجمله القرآنیة «عجلاً جسداً له خواراً». دراسات فی التعلیم
العالی، ۲۴، ۳۱۹-۲۷۳.

<https://search.emarefa.net/detail/BIM-1497946>

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی
(به کوشش هاشم رسولی). تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفتاح الغیب.
بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم:
نشر هجرت.

العظیم (به کوشش محمد حسین شمس الدین). بیروت: دار
الکتب العلمیه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر
القرآن العظیم (به کوشش اسعد محمد طیب). ریاض:
مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر
المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.

احمد بن فارس، ابی الحسین. (۱۴۲۲ق). معجم مقاییس
اللغه. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی
المسمى معالم التنزیل (به کوشش عبدالرازق مهدی).
بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و
أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی). بیروت: دار إحياء التراث
العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان (به
کوشش ابی محمد ابن عاشور، بازبینی نظیر ساعدی).
بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). تسنیم: تفسیر قرآن
کریم. قم: مرکز نشر اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح.
بیروت: دارالعلم للملایین.

حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور
التقلین (چاپ چهارم، به کوشش هاشم رسولی). قم:
اسماعیلیان.

خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). تفسیر الخازن
المسمى لباب التأویل فی معانی التنزیل (به کوشش
عبدالسلام محمدعلی شاهین). بیروت: دار الکتب العلمیه.

خزرجی، احمد بن عبدالصمد. (۱۴۲۹ق). تفسیر
الخزرجی المسمى نفس الصباح فی غریب القرآن و ناسخه
و منسوخه. بیروت: دار الکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۲ق).
المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفه.

- Al-Ayyashi, M. b. M. (1960). *Tafsir al-Ayyashi* (H. Rasuli, Ed.). Tehran: Maktabat al-Ilmiyyah al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Al-Baghawi, H. b. M. (1999). *Tafsir al-Baghawi al-musamma Ma'alim al-tanzil* (A. Mahdi, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Baydawi, A. b. O. (1997). *Anwar al-tanzil wa asrar al-ta'wil (Tafsir al-Baydawi)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Farahidi, K. b. A. (1988). *Kitab al-Ayn*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Al-Fayruzabadi, M. b. Y. (1994). *Al-Qamus al-muhit*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Al-Fayz al-Kashani, M. b. S. M. (1994). *Tafsir al-Safi* (H. A'lami, Ed.). Tehran: Maktabat al-Sadr. [In Arabic]
- Al-Huwayzi, A. b. J. (1994). *Tafsir Nur al-thaqalayn* (4th ed., H. Rasuli, Ed.). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
- Al-Jawhari, I. b. H. (1957). *Al-Sihah*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
- Al-Khazin, A. b. M. (1994). *Tafsir al-Khazin al-musamma Lubab al-ta'wil fi ma'ani al-tanzil* (A. M. Shahin, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Al-Khazraji, A. b. A. (2008). *Tafsir al-Khazraji al-musamma Nafas al-sabah fi gharib al-Qur'an wa nasikhihi wa mansukhihi*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Al-Nasafi, A. b. A. (1995). *Tafsir al-Nasafi: Madarik al-tanzil wa haqa'iq al-ta'wil*. Beirut: Dar al-Nafa'is. [In Arabic]
- Al-Qummi, A. b. I. (1984). *Tafsir al-Qummi* (T. M. Jazayiri, Ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
- Al-Qurashi al-Bonabi, A. A. (1992). *Qamus-e Qur'an*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Al-Qurtubi, M. b. A. (1985). *Al-Jami' li-ahkam al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
- Al-Ragheb al-Isfahani, H. b. M. (2001). *Al-Mufradat fi gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Al-Razi, M. b. O. (1999). *Mafatih al-ghayb*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Suyuti, A. b. A. B. (1983). *Al-Durr al-*
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). *القاموس المحيط*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی* (به کوشش حسین اعلمی). تهران: مکتبه الصدر.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی* (به کوشش طیب موسوی جزایری). قم: دار الکتب.
- محققیان، زهرا. (۱۳۹۹). تحلیل نرینگگی گوساله سامری بر اساس نقد کهن‌الگوی. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، ۱۶، ۲۸۹-۳۲۹.
- <https://www.ensani.ir/fa/article/439081>
- مصطفوی، حسن. (۱۴۲۶ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطیع، مهدی، حاجی‌اسماعیلی، محمدرضا، و خورسندی، مهدیه (۱۳۹۸). بررسی نسبت انسان و عالم هستی بر اساس روابط جاننشینی در زبان نمادین قرآن. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۸(۲)، ۵۳-۷۲.
- <https://www.doi.org/10.22108/nrgs.2019.111435.1285>
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (چاپ دهم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل*. بیروت: دار النفائس.

References

Holy Quran.

The Holy Book.

Abu al-Hayyan al-Andalusi, M. b. Y. (1999). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]

Ahmad b. Faris, A. H. (2001). *Mu'jam maqayis al-lughah*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

- Mohaqeqian, Z. (2020). Analysis of masculinity of Samiri's calf based on archetypal criticism. *Mystical Literature and Mythological Studies*, 16, 289-329. <https://www.ensani.ir/fa/article/439081> [In Persian]
- Mostafavi, H. (2005). *Al-Tahqiq fi kalimat al-Qur'an al-karim*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
- Motie, M., Hajiesmaeili, M. R., & Khorsandi, M. (2019). Investigating the relationship between human and universe based on paradigmatic relations in the symbolic language of the Quran. *Journal of Quranic Linguistics*, 8(2), 53-72. <https://www.doi.org/10.22108/nrgs.2019.111435.1285> [In Persian]
- Peirce, C. S. (1931–1958). *Collected papers of Charles Sanders Peirce* (C. Hartshorne & P. Weiss, Eds., Vols. 1–8). Harvard University Press.
- Rahimi Khoorgani, M., & Shameli, N. (2013). The story of Prophet Moses (PBUH) in Surah Taha from the perspective of semiotics. *Qayyem Book Journal*, 33(9), 117-137. https://kq.meybod.ac.ir/article_465.html [In Persian]
- manthur fi al-tafsir bi-al-ma'thur*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
- Al-Suyuti, A. b. A. B. (2001). *Al-Itqan fi ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]
- Al-Tabarsi, F. b. H. (1993). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Qur'an* (F. Y. Tabataba'i & H. Rasuli, Eds.). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
- Al-Tabataba'i, M. H. (1970). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. [In Arabic]
- Al-Tarihi al-Najafi, F. (1988). *Majma' al-bahrayn*. Tehran: n.p. [In Arabic]
- Al-Tha'labi, A. b. M. (2001). *Al-Kashf wa al-bayan*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Tusi, M. b. H. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Qur'an* (A. H. Amili, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Umrani, M. b. J. (2023). Al-Tafsir al-muqaran lil-jumlati al-Qur'aniyyah "ajlan jasadān lahu khawar". *Dirasat fi al-Ta'lim al-Ali*, 24, 273-319. <https://search.emarefa.net/detail/BIM-1497946> [In Arabic]
- Al-Zamakhshari, M. b. O. (1986). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Chandler, D. (2017). *Semiotics: The basics* (3rd ed.). Routledge.
- Cobley, P. (Ed.). (2010). *The Routledge companion to semiotics*. Routledge.
- Eco, U. (1976). *A theory of semiotics*. Indiana University Press.
- Ibn Abi Hatim, A. b. M. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-azim* (A. M. Tayyib, Ed.). Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz. [In Arabic]
- Ibn Ashur, M. T. (1999). *Al-Tahrir wa al-tanwir*. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Kathir, I. b. O. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-azim* (M. H. Shams al-Din, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (2000). *Tasnim: Tafsir-e Qur'an-e Karim*. Qom: Isra Publication Center. [In Persian]
- Ketāb-e Moqaddas
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir-e Nemuneh* (10th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

